

تأثیر برنامه‌ی آموزشی فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش‌آموزان پسر

کاوه رستمی*
ایراندخت فیاض**
فرخنده مفیدی***
حسن ملکی****
سعید بهشتی*****

چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی تأثیر برنامه فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش‌آموزان پسر بود. روش پژوهش، از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی در شهر تهران در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بودند. از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (تصادفی خوشه‌ای ۶-ای دومرحله‌ای و تصادفی ساده) با حجم مناسب (۱۶ نفر در گروه آزمایش و ۱۶ نفر در گروه کنترل) از دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. پیش‌آزمون استدلال نیوجرسی (۲۰۰۰) در هر دو گروه آزمایش و کنترل توسط پژوهشگر اجرا شد. کار اصلی تدریس در گروه کنترل، به عهده معلم کلاس بود؛ اما برای تدریس در گروه آزمایش، از برنامه فلسفه برای کودکان توسط پژوهشگر استفاده شد. در گروه آزمایش بر اساس برنامه هفتگی که در مدارس ابتدایی ۲۴ ساعت بود میزان ۴ ساعت آموزشی از برنامه هر هفته (به مدت ۴۵ دقیقه) به آموزش فلسفه برای کودکان اختصاص داده شد. نتایج آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که گروه آزمایش در مقیاس‌های آزمون نیوجرسی (۲۰۰۰) نمره بالاتری را کسب کردند و اختلاف معناداری بین گروه کنترل و آزمایش در نمرات بود. بر این اساس و با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون، می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ی آموزشی فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش‌آموزان پسر پایه‌ی پنجم ابتدایی تأثیر مثبت دارد. در نتیجه مدیران و معلمان می‌توانند با استفاده از این برنامه میزان و کیفیت استدلال دانش‌آموزان را افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: آموزش پایه پنجم ابتدایی، آموزش فلسفه برای کودکان، مهارت استدلال

* دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
** دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) khorsandi@gmail.com
*** دانشیار، گروه پیش از دبستان و دبستان، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
**** استاد، گروه برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
***** استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۲۱

مقدمه

تفکر پیچیده‌ترین و عالی‌ترین فرآیند ذهنی است که با شرایط خاصی به جریان می‌افتد و توسعه می‌یابد؛ اصولاً تسهیل فرایند تفکر مهم‌ترین رسالت نظام تعلیم و تربیت در سطوح مختلف است. در واقع هدف اصلی همه‌ی نهادهای آموزشی و پرورشی ایجاد و توسعه‌ی توانایی تفکر و حل مسئله در فراگیرندگان است (ساکی، ۱۳۸۸). استفاده و گسترش صلاحیت‌های تفکر برای رشد دانش‌آموزانی که به‌طور فزاینده در حال روبه‌رو شدن با جهان فناوری و طبعاً جهانی گسترده‌اند، حیاتی است. امروزه کشورهای سراسر جهان در حال تشخیص این نکته‌اند که طیف وسیعی از قابلیت‌های مهارت‌های تفکر به‌علاوه‌ی مهارت‌های پایه جهت آماده کردن کودکان برای آینده‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی موردنیاز هستند؛ زیرا اطلاعات به‌اندازه‌ای در حال گسترش هستند که افراد برای این‌که قادر به اداره‌ی مسائل مختلف، در زمینه و زمان‌های مختلف زندگی باشند، نیازمند مهارت‌های قابل‌انتقال‌اند. پیچیدگی شغل‌های امروزی نیز، نیاز به افرادی دارد که بتوانند در تولید دانش و فرایندهای جدید مطلب را درک، قضاوت و مشارکت کنند. از این‌رو جوامع امروزی نیاز به شهروندانی دارند که بتوانند اطلاعات منابع مختلف را جذب کنند و درست بودن آن را تعیین کرده و از آن استفاده کنند (قریشی، ۱۳۹۱).

هدف تعلیم و تربیت نیز پرورش و رشد تفکر است و در این بین تفکر استدلالی بخش اساسی در تفکر و یادگیری است که با رشد افراد در ارتباط است و در نهایت به رشد جامعه می‌انجامد (محمدی، ۱۳۸۷). در همین راستا، اریکسون^۱ (۲۰۰۵) معتقد است که توانایی در تفکر استدلالی، حل مسئله و تعقل به‌عنوان اهداف اساسی تعلیم و تربیت محسوب می‌شود (نقل از کاگلا^۲، ۲۰۱۰)؛ اما معلمان در زمینه‌ی شیوه‌ی آموزش و نحوه‌ی ارزشیابی تفکر استدلالی دانش‌آموزان دوره‌های مناسبی نگذرانده‌اند و این مسئله مهمی است که اکثر صاحب‌نظران بر آن تأکید می‌کنند. روش‌های نظام آموزشی، در زمان حاضر یادگیرنده را یک فرد منفعل در نظر می‌گیرد. شناخت اهمیت تفکر استدلالی تنها مختص به تعلیم و تربیت و معلمان نیست، تقاضا برای استخدام در اقتصاد جهانی، زنده ماندن شیوه‌دمکراتیک زندگی و تصمیم‌گیری‌های شخصی در جامعه‌ای پیچیده و به‌سرعت در حال تغییر، نیاز به مردمی دارد که خوب استدلال کنند و قضاوت‌های خوب و درستی بکنند. جامعه نیاز به شهروندانی دارد که بدون جهت‌گیری به ارزشیابی ارتباط بین

1. Erikson

2. Cagla, A.

جنبه‌های مختلف یک مسئله پردازند. علاوه بر آن، گرفتن تصمیم‌های درست شخصی و اجتماعی نیاز به توانایی تفسیر درست و صحیح اطلاعاتی دارد که به‌وسیله رسانه‌ها فیلتر شده است (رد^۱، ۱۹۹۸ نقل از لنگ^۲، ۲۰۱۵). تفکر استدلالی از جمله پیچیده‌ترین و عالی‌ترین جلوه‌های اندیشه انسان است که در مورد آن نظریه‌ها و دیدگاه‌های بسیاری وجود دارد. توشیو دوکو^۳ (۱۹۵۰) یکی از بنیان‌گذاران ژاپن جدید می‌گوید: «ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه قدرت نظامی، ما یک منبع پایان‌ناپذیر داریم و آن قدرت ابداع مغزهایمان است. باید آن را توسعه دهیم؛ این قدرت در آینده‌ای نزدیک گران‌بهارترین ثروت بشر خواهد بود» (نقل از رشیدپور، ۱۳۸۹).

از جمله پژوهش‌هایی که در زمینه مورد بحث انجام شده است می‌توان به جهانی (۱۳۸۶) اشاره کرد که بیان می‌کند که برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان، از توانایی لازم برای رشد مهارت‌های استدلالی بین کودکان ایرانی برخوردار است و می‌تواند از طریق مهارت‌های پژوهشی، به تقویت منش‌های اخلاقی دانش‌آموزان کمک کند و قادر است در کودکان مهارت‌هایی را به‌صورت استدلالی رشد دهد و از این طریق می‌توان به پرورش ارزش‌ها و رفتارهای مثبتی بر آن‌ها دست یافت. از طرفی ناجی و قاضی‌نژاد (۱۳۸۶) بیان می‌کنند که کودکان به شدت به این نوع کلاس‌ها (فلسفه) علاقه نشان می‌دهند و مهارت‌های استدلال، تمیز امور مشابه، داوری و قضاوت درست، تفکر انتقادی و خلاق و مسئولانه در این کلاس‌های تقویت می‌شود. همچنین در دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول مرعشی (۱۳۸۵) به این نتیجه رسید که برنامه فلسفه برای دانش‌آموزان، در مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان تأثیر مثبتی داشته است. در خارج از ایران نیز پندلبری^۴ (۲۰۱۳) در رساله‌ی دکتری خود نشان داد که مهارت‌های زبان انگلیسی دانش‌آموزان ابتدایی، در نتیجه‌ی آموزش مهارت‌های فلسفی به آن‌ها بهبود یافته است و دانش‌آموزان در نتیجه‌ی این بهبود، ذهنیت مثبت‌تری را نسبت به زبان انگلیسی کسب کرده‌اند. لنگ (۲۰۱۵) نیز بیان می‌کند در نتیجه‌ی استفاده از روش کاوشگری فلسفی، مهارت‌های حل مسئله، یافتن منابع برای مطالعه‌ی بیشتر، درگیری ذهنی با مواد آموزشی، قدرت تصمیم‌گیری و یادگیری معنادار در آن‌ها بهبود یافته است و توانایی بیشتری را در درک معانی رویدادهای مختلف را در زندگی خود دارند. ساری، لوئیک و تولویستل^۵ (۲۰۱۶) نشان دادند که استفاده از

1. Rade

2. Leng, L.

3. Toshio Doko

4. Pendlebury, K. S.

5. Sare, E., Luik, P., & Tulviste, T.

جلسات بحث گروهی فلسفی در کودکان در برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، منجر به بهبود مهارت‌های کلامی کودکان و پیشرفت تحصیلی بیشتر آن‌ها در نتیجه‌ی بهبود مهارت‌های کلامی آن‌ها می‌شود. مونتس و ماریا^۱ (۲۰۰۱) بیان می‌کنند که مطالعات انجام شده در کشورهای انگلستان، نروژ، مکزیک، اسکاتلند، سوئد، استرالیا، کانادا، اسپانیا و جز این‌ها مؤید آن است که شرکت‌کنندگان در کلاس‌های فلسفه برای کودکان، در مقایسه با گروهی که در این کلاس‌ها شرکت نداشتند، عملکرد بهتری در زمینه تفکر انتقادی داشتند.

خلاً موجود در پژوهش‌های پیشین به رسمی و غیررسمی بودن برنامه برمی‌گردد. در واقع این برنامه می‌تواند در برنامه رسمی کشورها و پایه‌های تحصیلی قرار گیرد، اما این امر مستلزم وجود زیرساخت‌های فلسفی و همچنین محتوایی به لحاظ ارتباط عمودی، افقی با سایر محتواها دارد که در غالب پژوهش‌ها این امر رعایت نشده است. نوآوری پژوهش حاضر توجه به زیرساخت‌های موجود در سطح مدارس موردبررسی و اینکه پژوهشگر با نگاه کاربردی کردن و جمع‌آوری استنادات برای ورود این برنامه به برنامه رسمی مدارس به انجام پژوهش مبادرت کرده است. از طرفی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و همچنین توجه به اصل تفاوت‌های فردی در بین دانش‌آموزان پژوهشگر به طراحی داستان‌های فلسفی و استفاده از پرسش‌های منطبق با سن و فرهنگ افراد نمونه مبادرت کرد که این امر جز نوآوری‌های پژوهش است. در پژوهش‌های پیشین به‌خصوص پژوهش‌های انجام شده در ایران، برنامه فلسفه برای کودکان به‌عنوان یک مداخله در نظام رسمی آموزشی محسوب می‌شود و گاهی تأثیرات به دست آمده از اجرای این برنامه ناشی از سایر عناصر سیستم آموزشی و علی‌الخصوص برنامه‌ریزی درسی است که در پژوهش‌ها کنترل نمی‌شوند. به‌طور مثال روش تدریس معلم در سایر دروس می‌تواند بر تأثیرگذاری برنامه فلسفه برای کودکان تأثیر داشته باشد و نتایج پژوهش‌ها را تحت تأثیر قرار دهد که در پژوهش‌ها کنترل نشده است. خلاً پژوهشی دیگر این است که در پژوهش‌ها معلم‌های مدارس به‌عنوان مدرسین فلسفه برای کودکان انتخاب شده‌اند و پژوهشگران به‌عنوان افراد آگاه به معلمین این روش و الگو را آموزش داده‌اند و خود به‌عنوان اجراکننده دوره حضور نداشته‌اند که این امر بر روی نتایج تأثیرگذار بوده است. با توجه به موارد فوق‌الذکر و در نظر گرفتن خلأهای پژوهش، این مقاله با هدف بررسی

1. Montes, M. & Maria, E.

تأثیر برنامه‌ی آموزشی فلسفه برای کودکان بر میزان مهارت استدلال دانش‌آموزان پسر پایه‌ی پنجم ابتدایی پژوهش شده است.

روش

روش پژوهش، نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل^۱ بود. در این پژوهش، برنامه طراحی شده فلسفه برای کودکان، متغیر مستقل و استدلال دانش‌آموزان، متغیر وابسته بودند. جامعه‌ی آماری، کلیه‌ی دانش‌آموزان پسر پایه پنجم ابتدایی بودند که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در شهر تهران مشغول تحصیل بودند در این پژوهش حجم نمونه ۳۲ نفر بود که ۱۶ نفر آن در گروه آزمایش و ۱۶ نفر آن در گروه کنترل قرار داشتند. روش انتخاب نمونه، نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (تصادفی خوشه‌ای دومرحله‌ای و تصادفی ساده) بود. نمونه‌گیری بدین‌صورت انجام شد که ابتدا شهر تهران به پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم‌بندی شدند و بر اساس دسترسی و همچنین شرایط هر خوشه یا مجموع مناطق، خوشه شمال به‌عنوان خوشه اصلی نمونه‌گیری انتخاب شد. سپس خوشه مناطق شمال به خوشه‌های مناطق ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ تقسیم‌بندی شد و از بین این مناطق منطقه ۵ به‌عنوان منطقه موردبررسی انتخاب شد. از بین مدارس منطقه ۵، مدرسه پسرانه فجر دانش به‌عنوان مدرسه نمونه انتخاب شد. ابزار برای گردآوری داده‌ها، آزمون مهارت‌های استدلال نیوجرسی (۲۰۰۰) است. این پرسشنامه برای گروه سنی ۵ تا ۱۰ سال هنجاریابی شده است و دارای ۵۰ سؤال چندگزینه‌ای به‌صورت قیاس‌های منطقی است که نشان‌دهنده ۲۲ مهارت در زمینه استدلال است. این مهارت‌ها شامل یکسان‌سازی عبارات، شامل شدن/شامل نشدن، تشخیص سوالات نامناسب، پرهیز از زود نتیجه‌گیری کردن، تفکر تمثیلی، تمییز پیش‌فرض‌های مستتر، استخراج راه‌های دیگر، استدلال استقرایی، استدلال به کمک روابط، تمییز ابهامات چندمعنایی، شناسایی دلایل خوب، تشخیص روابط متقارن، استدلال قیاسی (قطعی)، تمایز تفاوت‌ها برحسب نوع و درجه، تشخیص روابط، تشخیص منبع مشکوک، استدلال با ماتریس چهارحالتی، عبارات متناقض، استدلال کل-جزء و جزء-کل، استدلال قیاسی (شرطی)، پی بردن به روابط علی است. مرعشی (۱۳۸۵) با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی پرسشنامه را ۰/۸۰ بود. در این پژوهش روایی آزمون مهارت‌های استدلال

1. pretest-posttest design whit control group

نیوجرسی، با استفاده از روایی محتوایی در بازه سنی ۱۰ تا ۱۳ سال که مربوط به دوره دوم مقطع ابتدایی بود، مورد تأیید قرار گرفت. پایایی آزمون مهارت‌های استدلال نیوجرسی با استفاده از روش آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۶ بود.

یافته‌ها

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد. برای استفاده از این آزمون ابتدا پیش‌فرض‌های آزمون موردبررسی قرار گرفت. نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف تأیید شد (آماره آزمون $1/45$ و سطح معناداری $0/20$)، مفروضه همگنی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس با استفاده از آزمون باکس مورد تأیید قرار گرفت (آماره باکس $7/11$ ، آماره F $1/11$ و سطح معناداری $0/349$)، مفروضه عدم همبستگی متغیرهای هم پرآش با محاسبه ماتریس همبستگی تأیید شد، تصادفی بودن داده‌ها با استفاده از آزمون تصادفی بودن (آماره Z $0/544$ و سطح معناداری $0/579$)، تجانس واریانس‌ها با آزمون لوین (آماره آزمون $3/37$ و سطح معناداری $0/042$)، همگنی شیب‌خط رگرسیون (مجموع مجذورات 3629 ، میانگین مجذورات 1209 ، آماره F $18/53$ و سطح معناداری $0/0112$) موردبررسی قرار گرفت که همگی پیش‌فرض‌ها رعایت شده بودند و می‌توان از آزمون کوواریانس برای مقایسه پیش‌آزمون و پس‌آزمون استفاده کرد. نتایج آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که میانگین پیش‌آزمون در گروه کنترل $22/07$ و پس‌آزمون $22/60$ و میانگین پیش‌آزمون در گروه آزمایش $21/05$ و در پس‌آزمون $24/06$ بود؛ بنابراین میانگین نمرات گروه کنترل در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون تفاوت زیادی نکرده است، درحالی‌که در گروه آزمایش، شاهد افزایش نمرات استدلال در پس‌آزمون نسبت به پیش‌آزمون هستیم. برای بررسی این امر که آیا این تغییرات ناشی از تصادف بوده یا اینکه ناشی از مداخله (برنامه آموزشی) بوده است از تحلیل کوواریانس یک‌راهه استفاده شد. دلیل استفاده از این روش آماری، تعدیل آثار مربوط به تفاوت‌های اولیه (یعنی نمرات مهارت استدلال قبل از آموزش) است. جدول ۱ نتایج این تحلیل را نشان می‌دهد:

جدول ۱. نتایج تحلیل کوواریانس

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معناداری
پیش‌آزمون	۴۰۶۶/۸۱۸	۱	۴۰۶۶/۸۱۸	۴۲۵۴/۱۶۷	۰/۰۰۱
گروه	۴۸/۳۲۶	۱	۴۸/۳۲۶	۵۰/۵۵۲	۰/۰۰۱
خطا	۲۷/۷۲۳	۲۹	۰/۹۵۶		
کل	۴۱۱۱/۵۰۰	۳۱			

بر اساس جدول ۱ مقدار F به دست آمده برابر با ۵۰/۵۵۲ و سطح معناداری آن نیز برابر با ۰/۰۱ است. بر این اساس و با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش مبتنی بر پرورش تفکر فلسفی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی مؤثر بوده و موجب افزایش میزان استدلال دانش‌آموزان می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل، به‌طور متوسط در آزمون استدلال نیوجرسی، ۲.۶ نمره بیشتر کسب کردند. پس بر این اساس می‌توان گفت که برنامه‌ی آموزش فلسفه به دانش‌آموزان، باعث افزایش میزان مهارت تفکر استدلالی آن‌ها می‌شود. لذا فرضیه‌ی این پژوهش تأیید گردید. نتیجه به دست آمده از این بررسی با بخشی از نتایج پژوهش‌های نیاز آذری و خسروآبادی^۱ (۲۰۱۵)، موریس و تامسون^۲ (۲۰۱۶)، ساری، لوئیک و تولویستیل (۲۰۱۶)، جلیلان و همکاران (۱۳۹۵)، اسماعیل‌زاده و کرمی (۱۳۹۴)، عفتی (۱۳۹۴)، ایسینک و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، تریکی^۴ (۲۰۰۷) و تاپینگ و تریکی^۵ (۲۰۰۷) همسو بود. دانش‌آموزان کم سن و سال عموماً از آموزش مدرسه‌ای، استقبال می‌کنند. به همین دلیل، اگر درس‌ها در قالبی جذاب به آن‌ها ارائه شود، نسبت به زمانی که درس‌ها به روش مرسوم معلم به آن‌ها آموزش داده شود، اشتیاق بیشتری را برای تفکر به‌طور کلی و تفکر استدلالی به‌طور خاص از خود نشان می‌دهند. البته اگر دوره‌ی طراحی‌شده در تعداد جلسات بیشتری برگزار می‌شد، می‌توانست تأثیر بیشتری را بر روی استدلال بر جای بگذارد.

1. Niazazari, K., & Khosroabadi, S.
2. Murriss, K. S., & Thompson, R.
3. Eysink, T. H. S.

4. Trickey, S
5. Topping, K. J., & Trickey, S

همچنین پرورش تفکر فلسفی زمینه‌ی رشد و پرورش تفکر استدلالی را فراهم می‌آورد. این امر از این‌رو است که تفکر فلسفی، نحوه‌ی استدلال کردن را به افراد نشان می‌دهد و افراد را از این نظر پرورش می‌دهد. در مجموع با نگاهی به نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه گرفت که افزایش کاربرد مفاهیم و رویکردهای جدید، تأثیر ژرفی را بر روی فعالیت‌های معلم در آموزش به دانش‌آموزان گذاشته است و نحوه‌ی تفکر دانش‌آموزان را متحول ساخته است. این مفاهیم و رویکردها، فرصت‌هایی را برای معلمان و دانش‌آموزان به وجود آورده است تا درگیر تفکر به راه‌های جدید شوند. برای مثال با سهولت دسترسی به منابع مختلف، نقش معلم که قبلاً به‌عنوان تنها منبع دانش محسوب می‌شد، به راهنمای کسب اطلاعات در دنیای امروزی تبدیل گردیده است. از نمونه کاربرد مفاهیم و رویکردهای جدید، استفاده از پرورش توانایی تفکر فلسفی برای تقویت تفکر استدلالی دانش‌آموزان است. تفکر فلسفی با تأکید بر روی ذهن یادگیرنده به‌عنوان ابزاری برای کسب دانش، سعی در بهبود تفکر استدلالی دانش‌آموزان دارد. این رویکرد در فلسفه، بر راهنمایی یادگیرنده توسط معلم و نقش بیشتر یادگیرنده تأکید دارد و نقش معلم به‌عنوان تنها منبع کسب دانش را رد می‌کند. در این رویکرد فلسفی بار بیشتری بر روی یادگیرنده تحمیل می‌شود و نقش معلم، کم‌رنگ‌تر می‌شود. از این‌رو، در کاربرد رویکرد تفکر استدلالی، موضوع درسی موردنظر باید به‌خوبی بر اساس اصول و راهبردهای این رویکرد، طراحی و اجرا گردد. پرورش این تفکر استدلالی نیازمند برخورداری از مهارت استدلال و تفکر انتقادی در سطح بالا است که رشد این مهارت‌ها از وظایف اصلی نظام آموزشی کشور در مقطع ابتدایی است.

هدفی که نظام آموزشی دنبال می‌کند پرورش یادگیرندگان متفکر است. به‌گونه‌ای که تفکر جایی در زندگی روزمره‌ی آن‌ها باز کند و آن‌ها را در مسیر زندگی سالم و پاک نگه دارد. از این‌رو توجه به پرورش تفکر استدلالی دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌شود برای افزایش میزان تفکر استدلالی دانش‌آموزان پایه ابتدایی، از الگوی آموزشی مناسب در زمینه‌ی پرورش تفکر فلسفی استفاده شود و کتاب‌هایی مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی به شیوه‌ای جذاب، به‌گونه‌ای که بتواند تفکر فلسفی و تفکر استدلالی دانش‌آموزان را افزایش دهد، طراحی و تدریس شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش نیز می‌توان به نمونه موردبررسی به دانش‌آموزان پایه پنجم که باعث می‌شود نتایج نیز به این پایه محدود شوند و نتوان از نتایج این پژوهش

برای کل مقطع ابتدایی استفاده کرد اشاره کرد. محدودیت دیگر این پژوهش در استفاده از داستان‌ها و پرسش‌هایی بود که با توجه به تجربه پژوهشگران تنظیم شده بود که خود می‌تواند باعث محدودیت در انتقال مطالب و در نتیجه محدودیت در تأثیرگذاری برنامه شده باشد.

منابع

- اسماعیل‌زاده، ت. و کرمی، آ. (۱۳۹۴). اجرای چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک و بررسی تأثیر آن بر خردورزی دانش‌آموزان ابتدایی. *دو فصلنامه‌ی تفکر و کودک*، ۲، ۱-۲۱.
- جلیلیان، س.، محمدی، ش.، نجاتی، و. و جلیلیان، ف. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر برنامه آموزش «فلسفه و کودک» بر پرورش توانایی حل مسئله در دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی. *نشریه فلسفه و کودک*، ۱۴، ۴-۱۲.
- جهانی، ج. (۱۳۸۶). نقد و بررسی مبانی فلسفی الگوی آموزشی تفکر انتقادی ماتئو لیپمن. *فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*. ۱۲ (۴۲)، ۳۵-۵۵.
- رشیدپور، ع. (۱۳۸۹). تأثیر روش تدریس کاوشگری بر میزان پرورش مهارت‌های تفکر فلسفی دانش‌آموزان پایه پنجم دوره‌ی ابتدایی شهر بهار. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- ساکي، ر. (۱۳۸۸). *سواد پژوهشی معلم (راهنمایی برای ژرف‌اندیشی درباره‌ی یاددهی-یادگیری)*، چاپ اول. تهران: دانش آفرین.
- عفتی کلاته، م. (۱۳۹۴). نقد و بررسی دو داستان «جودی انجمن مخفی تشکیل می‌دهد» و «خاطرات یک خون‌آشام عاشق» از منظر برنامه فلسفه برای کودکان. *نشریه فلسفه و کودک*، ۹، ۵۹-۷۲.
- قریشی، س. (۱۳۹۱). *نگاهی گذرا به سند تحول آموزش و پرورش: ضرورت تغییر، رشد آموزش ابتدایی، ویژه‌نامه پایه‌ی ششم ابتدایی*، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- محمدی، خ. (۱۳۸۷). *پژوهش، پژوهشگری و پژوهشنامه نویسی* (جلد ۲ و ۱). تهران: جامعه‌شناسان.
- مرعشی، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر روش اجتماع پژوهشی در برنامه آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش مهارت‌های استدلال دانش‌آموزان پسر پایه سوم راهنمایی مدرسه نمونه دولتی اهواز، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۲، ۵۴-۳۱.

ناجی، س. و قاضی نژاد، پ. (۱۳۸۶). بررسی نتایج برنامه فلسفه برای کودکان روی مهارت‌های استدلالی و عملکرد رفتاری کودکان، فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۲(۷): ۱۵۰-۱۲۳.

References

- Cagla, A. (2010). *Developing in Young Children the Spirit of Enquiry Through the Use of Thinking Stories*, A Paper Presented at the First International Conference, National Institute of Education, Nan Yang Technological University, Singapore.
- Eftati Kalate, M. (2015). *Review of the two stories "Judy Forms a Secret Society" and "Memories of a Lover's Vampire" from the perspective of philosophy for children*. *Journal of Philosophy and the Child*, 9, 59-72. [In Persian]
- Eysink, T. H. S., Gersen, L., & Gijlers, H. (2015). Inquiry learning for gifted children. *High Ability Studies*, 26(1), 63-74.
- Ismailzadeh, T. & Karami, A. (2015), The Multimedia Implementation of Philosophy for the Children and its Impact on the Rationality of Elementary Students, *Magazine of Thinking and Child*, 2, 1-21. [In Persian]
- Jahani, J. (2007). A Review of the Philosophical Foundations of Matthew Lippman's Critical Thinking Model. *Journal of Humanities, Alzahra University*, 42, 55-35. [In Persian]
- Jalilian, S., Mohammadi, Sh., Nejati, V., & Jalilian, F. (2016). The Impact of teaching 'Philosophy and Child Education Program' on Developing the Problem Solving Ability in Elementary Students (Third Grade), *Journal of Philosophy and Child*, 14, 4-12. [In Persian]
- Leng, L. (2015). *The role of philosophical inquiry in helping high school students engage in learning and seek meaning in lives*. Unpublished doctoral dissertation, University of Hawa'i.
- Marashi, M. (2006). The Effect of Research Community Approach in Teaching Philosophy to Children on Developing the Reasoning Skills of Third Grade Middle School Students in Ahvaz, *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 2, 54-31. [In Persian]
- Mohammadi, Kh. (2008). *Research, Researching and Research writing* (Volume 1 and 2). Tehran: Sociology Publications. [In Persian]
- Montes, M. & Maria, E. (2001). *juchitande los ninos, abstract in OAPC. Philosophy of psychology: Contemporary readings*. pp. 559-576. New York: Routledge.
- Murris, K. S., & Thompson, R. (2016). Drawings as imaginative expressions of philosophical ideas in a Grade 2 South African literacy classroom. *Journal of the Reading Association of South Africa*, 7(2), 2079-8245.
- Naji, S., & Ghazinejad, P. (2007). Study the Results of the Philosophy Program for Children on Children's Reasoning Skills and Behavioral Performance, *Curriculum Studies Journal*, 2 (7), 150-123. [In Persian]
- Niazazari, K., & Khosroabadi, S. (2015). Evaluation of the relationship between philosophical mindset and doing managerial tasks. *International Letters of Social & Humanistic Sciences*, 46, 70-76.
- Pendlebury, K. S. (2013). *Cerebral pleasure, children's literature and philosophy*. Unpublished doctoral dissertation. University of Pittsburgh.
- Qureishi, Q. (2012), *A Brief Look at the Education Transformation Document: The Need for Change, Elementary Education Growth, Elementary Sixth Grade Special Issue*, Office of Educational Technology, Publications, and Planning. [In Persian]
- Rashidpour, AS (2010). *The Effect of Exploration Teaching on the Development of Philosophical Thinking Skills in the Elementary School Students (Fifth Grade)*, Master's Thesis, University of Bo Ali Sina. [In Persian]

- Saki, R. (2009). *Teacher Research Literacy (A Guide to Deep Thoughts on Teaching and Learning)*, First Edition, Tehran: Danesh AFarin. [In Persian]
- Sare, E., Luik, P., & Tulviste, T. (2016). *Improving pre-schoolers' reasoning skills using the philosophy for children programme*. TRAMES, 3, 273-295
- Topping, K. J., & Trickey, S. (2007). Impact of philosophical enquiry on school students' interactive behavior. *Thinking Skills & Creativity*, 2, 73-84.
- Trickey, S. (2007). Impact of philosophical enquiry on school students' interactive behavior. *Thinking Skills & Creativity*, 2, 73-84.